

«فاران افرز»، تحلیل کرد؛ آمریکا و اسرائیل ممکن است لقمه بزرگتری از دهانشان برداشته باشند

چرا تشدید تنش به نفع ایران است؟



تحلیل

ساعات اولیه عملیات خشم حماسی -حمله نظامی مشترک آمریکا و اسرائیل علیه ایران که در ۲۸ فوریه آغاز شد- دامنه جنگ دقیق مدرن را نشان داد.

حملات آمریکا و اسرائیل، رهبر معظم ایران، آیت‌الله علی خامنه‌ای، را به همراه فرماندهان ارشد هدف قرار داد، اقدامی که واشنگتن و تل‌آویو آن را ضربه‌ای قاطع با هدف فلج کردن ساختار فرماندهی تهران و بی‌ثبات کردن آن توصیف کردند. با این حال، طرف چند ساعت، هرگونه امید که این حملات، دامنه جنگ را محدود کند، از بین رفت.

ایران صدها موشک بالستیک و پهپاد را خلیج فارس نیز شلیک کرد.

واکنش ایران پیامدهای عظیمی برای خلیج فارس داشته است، از جمله تعطیلی فرودگاه‌ها، تهدید کشتیرانی و

صادرات نفت. طبق گزارش‌های خبری، چندین نفتکش در نزدیکی تنگه هرمز مورد اصابت قرار گرفته‌اند که باعث افزایش شدید حق بیمه برای حمل و نقل از طریق خلیج فارس شده است.

اندکی پس از آغاز درگیری، قیمت نفت به شدت افزایش یافت، زیرا معامله‌گران خطر اختلال مداوم در یکی از مهمترین نقاط حیاتی انرژی جهان را پیش‌بینی کردند.

حملات ایران را نمی‌توان نادیده گرفت بلکه آنها نمایانگر استراتژی تشدید افقی، تلاشی برای تغییر خطرات یک درگیری با گسترش دامنه و طولانی کردن مدت زمان آن هستند. چنین استراتژی اجازه می‌دهد تا محاسبات طرف قدرتمندتر را تغییر دهد و این موضوع به ضرر ایالات متحده جواب داده است. در ویتنام و سریبستان، آنها به نمایش‌های عظیم قدرت هوایی آمریکا با تشدید افقی پاسخ دادند که در نهایت منجر به شکست آمریکا در مورد اول و در مورد دوم، خنثی کردن اهداف جنگی ایالات متحده شد.

اردن، کویت، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی. پیام غیرقابل انکار بود: «کشورهایی که میزبان نیروهای آمریکایی هستند با عواقب شدیدی روبه رو خواهند شد و جنگی که اسرائیل و ایالات متحده آغاز کرده‌اند، گسترش خواهد یافت.»

سوم، ایران از طریق حملات خود، این درگیری را سیاسی کرده است. انتقام ایران منجر به تعطیلی فرودگاه‌ها، آتش زدن اموال تجاری، کشته شدن کارگران خارجی و اختلال در بازارهای انرژی و بیمه شده است. رهبران خلیج فارس مجبور شده‌اند به سرمایه‌گذاران و گردشگران خارجی اطمینان خاطر بدهند. جنگ به اتاق‌های هیات‌مدیره و پارلمان‌ها کشیده شده است. در ایالات متحده، گسترش دامنه جنگ، اعضای کنگره را نگران کرده است. اکنون بازیگران متعددی وارد این درگیری شده‌اند که هر کدام منافع متمایزی را دنبال می‌کنند، هیچ‌کدام کاملاً هماهنگ نیستند و همگی قادر به تغییر مسیر تشدید اوضاع فراتر از کنترل واشنگتن هستند.

بعد نهایهی استراتژی ایران، زمان است. هر چه کشورهای متعدد بیشتر احساس فشار کنند، سیاست‌های درون و بین کشورهای منطقه‌ای می‌تواند درگیری را تشدید کند. سرنگونی اخیر سه جت آمریکایی بر فراز کویت نیز مشکلات لجستیکی و هماهنگی را نشان می‌دهد که هرگونه تلاشی برای جلوگیری از تشدید تنش ایران در خلیج فارس را با مشکل مواجه می‌کند.

عملیات خشم حماسی؛ مطمئناً اولین بار نیست که ایالات متحده با این باور که قدرت هوایی عظیم می‌تواند فروپاشی سیاسی سریع را به دنبال داشته باشد، در ویتنام محدودیت‌های این فرض را آشکار کرد. در ویتنام، ایالات متحده هرگز نبرد را نناخت -اما با این حال یک جنگ را باخت.

ابزارها و اهداف تهران

انتقام ایران اهداف سیاسی روشنی دارد: اول، تهران می‌خواهد تصورات مبنی بر آسیب‌ناپذیری خلیج فارس را از بین ببرد. شهرهایی مانند دویبی و دوحه خود را به عنوان مراکز امن مالی، گردشگری و لجستیکی به جهان معرفی

می‌کنند. وقتی هشدارهای موشکی عملیات فرودگاه بین‌المللی دویبی -یکی از شلوغ‌ترین فرودگاه‌های جهان- را مختل می‌کند، هزینه اعتبار آن بسیار بیشتر از هرگونه خسارت فیزیکی است که ایران وارد می‌کند.

دوم، ایران هزینه سیاسی میزبانی نیروهای آمریکایی را برای کشورهای خلیج فارس افزایش داده است. تهران با حمله به پایگاه‌های آمریکایی در العدید، الظفره و شاهزاده سلطان، نشان داد که اتحاد با واشنگتن مستلزم قرار گرفتن در معرض حمله است. رهبران خلیج فارس باید تعهدات اتحاد را در برابر ثبات داخلی و اقتصادی متعادل کنند.

سوم، تهران در حال شکل‌دهی به روایتی درباره نظم منطقه‌ای است. ایران با به تصویر کشیدن اقدامات خود به عنوان مقاومت در برابر کارزار آمریکا و اسرائیل که هدفش تسلط منطقه‌ای است، می‌تواند شکاف بین رهبران کشورهای خلیج فارس و مردم آنها را بسته به مدت زمان ادامه درگیری بیشتر کند. چهارم، ایران از نقاط حساس اقتصادی بهره می‌برد. تقریباً یک پنجم محموله‌های نفتی جهان از تنگه هرمز عبور می‌کند. داده‌های اولیه کشتیرانی نشان می‌دهد که ترافیک از طریق این تنگه از زمان شروع جنگ حدود ۷۵ درصد کاهش یافته است. حتی یک اختلال جزئی و پایدار- از طریق حملات موشکی، حوادث دریایی یا افزایش هزینه‌های بیمه- اثرات فوری جهانی و نگرانی‌هایی را در مورد تورم و فشار سیاسی داخلی در ایالات متحده و اروپا

ایجاد می‌کند. هیچ‌یک از این اهداف نیازی به پیروزی در میدان نبرد ندارند. آنها فقط به استقامت ایران نیاز دارند.

هزینه زمان

تشدید افقی صرفاً به معنای هدف قرار دادن طیف وسیع‌تری از اهداف نیست. تأثیر عمیق‌تر آن تغییر نحوه درک دشمن از خطرات است. در یک جنگ کوتاه، خطر با تعداد سورتی پرواز و میزان رهگیری سنجیده می‌شود. در یک درگیری طولانی، خطرات به حوزه سیاسی نیز گسترش می‌یابد. یک درگیری طولانی، انتخاب‌های دشواری را ایجاد می‌کند.

یک جنگ طولانی مدت همچنین سیاست آمریکا را تغییر خواهد داد. یک حمله ناگهانی می‌تواند حمایت از رئیس‌جمهوری آمریکا را حداقل به‌طور موقت افزایش دهد - اگرچه نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که اکثر آمریکایی‌ها حتی با گذشت تنها یک هفته از جنگ با آن مخالف هستند- یک جنگ منطقه‌ای طاقت‌فرسا که با افزایش قیمت انرژی، تلفات آمریکایی‌ها و اهداف نامشخص مشخص می‌شود، باعث ایجاد ناآرامی در داخل کشور خواهد شد. عناصر قابل‌توجهی از ائتلاف سیاسی رئیس‌جمهوری دونالد ترامپ نسبت به درگیری‌های خاورمیانه محتاط بوده‌اند و رهبران آمریکا را به پیروی صرف از اسرائیل متهم کرده‌اند. هرچه عملیات نظامی ایالات متحده بیشتر ادامه یابد، شکاف‌های بیشتری می‌تواند در پایگاه خود-ترامپ ایجاد شود.



برش

ترامپ بر سر یک دوراهی قرار دارد و باید تصمیم بگیرد که آیا واشنگتن باید اکنون با هزینه‌های سیاسی کوتاه اما محدود و هزینه‌های سیاسی طولانی‌تر و نامشخص‌تر در آینده مواجه شود. هیچ راه فرار طلایی وجود ندارد، راهی که مزایای سیاسی را برای واشنگتن افزایش دهد. اکنون هرگز هزینه‌ای هزینه‌ها و خطرات سیاسی به همراه دارد: حمله اولیه ممکن است یک مسأله تاکتیکی را حل کرده باشد، اما یک مشکل استراتژیک ایجاد کرده است. با توجه به این واقعیت‌ها، عاقلانه‌ترین انتخاب برای ایالات متحده می‌تواند این باشد که اکنون یک



خود نقش دارند، حس مالکیت، مسئولیت‌پذیری و تعلق اجتماعی در آنها تقویت می‌شود. این امر به‌تدریج می‌تواند فرهنگ مالیاتی کشور را متحول کرده و قرار مالیاتی را کاهش دهد.

این طرح در عین حال، همسو با تجربه‌های موفق جهانی در حوزه مالیات‌های آسان‌شان‌دار و بودجه‌ریزی مشارکتی طراحی شده است؛ با این تفاوت که در نسخه ایرانی، پیوند مستقیمی میان مالیات پرداختی فرد و پروژه انتخابی او برقرار شده تا انگیزه مشارکت افزایش یابد.

در مجموع، بررسی دو سال اجرای طرح نشان‌دار کردن مالیات‌ها نشان می‌دهد که بیش از ۳۰ همت منابع مالی برای تکمیل پروژه‌های

طرح نشان‌دار کردن مالیات، افزایش تمکین مؤدیان رادر پی داشته است

از گره‌های توسعه‌ای کشور را باز کرد. با این حال، معتمدی‌زاده به چالش‌های اجرای طرح در مورد شرکت‌های بزرگ صنعتی، معدنی و به‌ویژه بنگاه‌های خصولتی و شبه‌دولتی اشاره می‌کند. او معتقد است که این شرکت‌ها سهم قابل توجهی از یارانه‌های انرژی و منابع عمومی را دریافت می‌کنند، اما شفافیت مالی و نظارت مؤثر بر عملکرد آنها وجود ندارد. به باور وی، تحقق کامل عدالت مالیاتی مستلزم افزایش نظارت، اصلاح ساختار بودجه‌ای و مطالبه‌گری جدی‌تر از این بنگاه‌هاست.

از گره‌های توسعه‌ای کشور را باز کرد. با این حال، معتمدی‌زاده به چالش‌های اجرای طرح در مورد شرکت‌های بزرگ صنعتی، معدنی و به‌ویژه بنگاه‌های خصولتی و شبه‌دولتی اشاره می‌کند. او معتقد است که این شرکت‌ها سهم قابل توجهی از یارانه‌های انرژی و منابع عمومی را دریافت می‌کنند، اما شفافیت مالی و نظارت مؤثر بر عملکرد آنها وجود ندارد. به باور وی، تحقق کامل عدالت مالیاتی مستلزم افزایش نظارت، اصلاح ساختار بودجه‌ای و مطالبه‌گری جدی‌تر از این بنگاه‌هاست.

از گره‌های توسعه‌ای کشور را باز کرد. با این حال، معتمدی‌زاده به چالش‌های اجرای طرح در مورد شرکت‌های بزرگ صنعتی، معدنی و به‌ویژه بنگاه‌های خصولتی و شبه‌دولتی اشاره می‌کند. او معتقد است که این شرکت‌ها سهم قابل توجهی از یارانه‌های انرژی و منابع عمومی را دریافت می‌کنند، اما شفافیت مالی و نظارت مؤثر بر عملکرد آنها وجود ندارد. به باور وی، تحقق کامل عدالت مالیاتی مستلزم افزایش نظارت، اصلاح ساختار بودجه‌ای و مطالبه‌گری جدی‌تر از این بنگاه‌هاست.

از گره‌های توسعه‌ای کشور را باز کرد. با این حال، معتمدی‌زاده به چالش‌های اجرای طرح در مورد شرکت‌های بزرگ صنعتی، معدنی و به‌ویژه بنگاه‌های خصولتی و شبه‌دولتی اشاره می‌کند. او معتقد است که این شرکت‌ها سهم قابل توجهی از یارانه‌های انرژی و منابع عمومی را دریافت می‌کنند، اما شفافیت مالی و نظارت مؤثر بر عملکرد آنها وجود ندارد. به باور وی، تحقق کامل عدالت مالیاتی مستلزم افزایش نظارت، اصلاح ساختار بودجه‌ای و مطالبه‌گری جدی‌تر از این بنگاه‌هاست.

در سال ۱۴۰۴، دامنه اجرای این طرح گسترش یافت و ۸۸۱ پروژه ملی و استانی با اعتباری بالغ بر ۱۸.۲ همت برای انتخاب مؤدیان معرفی شد. تاکنون بیش از ۳۰۱ هزار مؤدی در این طرح مشارکت کرده‌اند و حدود ۹۰۶ همت از منابع پیش‌بینی‌شده تأمین اعتبار شده است. حوزه حمل‌ونقل و عمران شهری و روستایی با ۲.۸ همت در رتبه نخست تأمین اعتبار قرار دارد و پس از آن آموزش و پرورش عمومی و مهارتی با ۲.۲ همت و سلامت و رفاه اجتماعی با ۱.۴ همت قرار گرفته‌اند. نکته قابل توجه آن است که ۴۹ درصد از پروژه‌های مصوب سال ۱۴۰۴ به حوزه آموزش و پرورش اختصاص یافته است؛ موضوعی که نشان‌دهنده تمرکز دولت بر توسعه زیرساخت‌های آموزشی و کاهش شکاف مناطق کمتر توسعه‌یافته با سایر استان‌هاست. در این چارچوب، ساخت و تجهیز ۴۲۹ مدرسه، اجرای ۱۱۴ طرح حمل‌ونقل و ۴۱ پروژه آبرسانی در دستور کار قرار گرفته است.

از گره‌های توسعه‌ای کشور را باز کرد. با این حال، معتمدی‌زاده به چالش‌های اجرای طرح در مورد شرکت‌های بزرگ صنعتی، معدنی و به‌ویژه بنگاه‌های خصولتی و شبه‌دولتی اشاره می‌کند. او معتقد است که این شرکت‌ها سهم قابل توجهی از یارانه‌های انرژی و منابع عمومی را دریافت می‌کنند، اما شفافیت مالی و نظارت مؤثر بر عملکرد آنها وجود ندارد. به باور وی، تحقق کامل عدالت مالیاتی مستلزم افزایش نظارت، اصلاح ساختار بودجه‌ای و مطالبه‌گری جدی‌تر از این بنگاه‌هاست.

از گره‌های توسعه‌ای کشور را باز کرد. با این حال، معتمدی‌زاده به چالش‌های اجرای طرح در مورد شرکت‌های بزرگ صنعتی، معدنی و به‌ویژه بنگاه‌های خصولتی و شبه‌دولتی اشاره می‌کند. او معتقد است که این شرکت‌ها سهم قابل توجهی از یارانه‌های انرژی و منابع عمومی را دریافت می‌کنند، اما شفافیت مالی و نظارت مؤثر بر عملکرد آنها وجود ندارد. به باور وی، تحقق کامل عدالت مالیاتی مستلزم افزایش نظارت، اصلاح ساختار بودجه‌ای و مطالبه‌گری جدی‌تر از این بنگاه‌هاست.

از گره‌های توسعه‌ای کشور را باز کرد. با این حال، معتمدی‌زاده به چالش‌های اجرای طرح در مورد شرکت‌های بزرگ صنعتی، معدنی و به‌ویژه بنگاه‌های خصولتی و شبه‌دولتی اشاره می‌کند. او معتقد است که این شرکت‌ها سهم قابل توجهی از یارانه‌های انرژی و منابع عمومی را دریافت می‌کنند، اما شفافیت مالی و نظارت مؤثر بر عملکرد آنها وجود ندارد. به باور وی، تحقق کامل عدالت مالیاتی مستلزم افزایش نظارت، اصلاح ساختار بودجه‌ای و مطالبه‌گری جدی‌تر از این بنگاه‌هاست.

مدیرکل امور مالیاتی استان قزوین خبر داد؛

رشد ۲۵ درصدی سهم مالیات بر ارزش افزوده در توسعه سلامت قزوین

سید محمود موسوی صانع مدیرکل امور مالیاتی استان قزوین در تشریح عملکرد تخصیص اعتبارات مالیات بر ارزش افزوده سال جاری اظهار داشت: از ابتدای سال جاری تا پایان دی‌ماه، مبلغ ۱۲ هزار میلیارد ریال به حوزه سلامت استان اختصاص یافته که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، رشد ۲۵ درصدی را نشان می‌دهد.

وی با اشاره به سازوکار قانونی تخصیص این منابع، تصریح کرد: بر اساس قانون مالیات بر ارزش افزوده، یک درصد از مالیات بر ارزش افزوده به پیش سلامت تخصیص می‌یابد. سید محمود موسوی صانع مدیرکل امور مالیاتی استان قزوین در تشریح عملکرد تخصیص اعتبارات مالیات بر ارزش افزوده سال جاری اظهار داشت: از ابتدای سال جاری تا پایان دی‌ماه، مبلغ ۱۲ هزار میلیارد ریال به حوزه سلامت استان اختصاص یافته که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، رشد ۲۵ درصدی را نشان می‌دهد. وی با اشاره به سازوکار قانونی تخصیص این منابع، تصریح کرد: بر اساس قانون مالیات بر ارزش افزوده، یک درصد از مالیات بر ارزش افزوده به پیش سلامت تخصیص می‌یابد. سید محمود موسوی صانع مدیرکل امور مالیاتی استان قزوین در تشریح عملکرد تخصیص اعتبارات مالیات بر ارزش افزوده سال جاری اظهار داشت: از ابتدای سال جاری تا پایان دی‌ماه، مبلغ ۱۲ هزار میلیارد ریال به حوزه سلامت استان اشاره و خاطرنشان کرد: مطابق قانون مالیات بر ارزش افزوده، بیست‌وهفت درصد (۲۷٪) از این درآمدها به وزارت آموزش و پرورش و وزارت ورزش و جوانان تخصیص می‌یابد. این میزان نسبت به سال گذشته ۴۳ درصد رشد داشته و نقش مؤثری در توسعه زیرساخت‌های ورزشی، درمانی و بهداشتی، تأمین دارو و تجهیزات پزشکی و ارتقای سطح خدمات سلامت به شهروندان هزینه می‌شود.

سید محمود موسوی صانع مدیرکل امور مالیاتی استان قزوین در تشریح عملکرد تخصیص اعتبارات مالیات بر ارزش افزوده سال جاری اظهار داشت: از ابتدای سال جاری تا پایان دی‌ماه، مبلغ ۱۲ هزار میلیارد ریال به حوزه سلامت استان اختصاص یافته که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، رشد ۲۵ درصدی را نشان می‌دهد. وی با اشاره به سازوکار قانونی تخصیص این منابع، تصریح کرد: بر اساس قانون مالیات بر ارزش افزوده، یک درصد از مالیات بر ارزش افزوده به پیش سلامت تخصیص می‌یابد. سید محمود موسوی صانع مدیرکل امور مالیاتی استان قزوین در تشریح عملکرد تخصیص اعتبارات مالیات بر ارزش افزوده سال جاری اظهار داشت: از ابتدای سال جاری تا پایان دی‌ماه، مبلغ ۱۲ هزار میلیارد ریال به حوزه سلامت استان اشاره و خاطرنشان کرد: مطابق قانون مالیات بر ارزش افزوده، بیست‌وهفت درصد (۲۷٪) از این درآمدها به وزارت آموزش و پرورش و وزارت ورزش و جوانان تخصیص می‌یابد. این میزان نسبت به سال گذشته ۴۳ درصد رشد داشته و نقش مؤثری در توسعه زیرساخت‌های ورزشی، درمانی و بهداشتی، تأمین دارو و تجهیزات پزشکی و ارتقای سطح خدمات سلامت به شهروندان هزینه می‌شود.

عمرانی کشور به انتخاب مستقیم مردم اختصاص یافته است. هرچند این رقم در مقایسه با حجم آنبوه پروژه‌های نیمه‌تمام کشور محدود به نظر می‌رسد، اما واقعیت آن است که بسیاری از این پروژه‌ها تنها با تأمین منابعی اندک به بهره‌برداری می‌رسند و آثار ملموس آن می‌تواند رضایت عمومی و سرمایه اجتماعی را به‌طور قابل توجهی افزایش دهد.

به نظر می‌رسد اگر چالش‌های نظارتی، زیرساختی و حقوقی این طرح به‌درستی برطرف شود، نشان‌دار کردن مالیات‌ها می‌تواند به یکی از ستون‌های اصلی مردمی‌سازی اقتصاد، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و تحقق حکمرانی شفاف و عدالت‌محور در ایران تبدیل شود.

منبع: Foreign Affairs